از مطبخ شیخ صفی تا آشپزخانه اوپن

فرید مدرسی

پرونده

«سیستم اوپن آشپزخانه‌ها در منازل و اشراف خانه‌ها بر یکدیگر باعث شده امنیت روانی خانواده‌ها گرفته شود.» «مصطفی پورمحمدی» طلبه مدرسه حقانی قم که پس از گذشت سال‌ها از آن دوران، به ساختمان بزرگ وزارت کشور پای گذاشته است و در دولت محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور داعیه‌دار دولت اسلامی وزیر شده است، این سخن را در جمع هم‌لباسان خود که مشاور استانداران در امور روحانیون هستند، بیان کرد. این سخن تنها بر روی تلکس خبرگزاری ایسنا قرار گرفت، شاید از دیدگاه خبرنگاران آن‌چنان ارزش خبری نداشته است. اما آن زمان که دکترین دولت اسلامی از سوی آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی تئوریزه شد و احمدی‌نژاد آن را در سرفصل‌های برنامه‌های انتخاباتی خود قرار داد، کلام‌هایی از این سنخ در چارچوب برنامه‌های دولتمردان ایرانی جا خوش کرد. اقتصاد اسلامی با کاهش «بهره‌های بانکی» کلید خورد، سالن‌های مدهای لباس زنانه رنگ‌های اسلامی را به خود گرفت، پیشنهاد طرح مطالعاتی اساتید به جای کشورهای اروپایی در شهر مذهبی قم از سوی وزیر علوم مطرح شد، وزیر آموزش و پرورش از اعزام «طلبه‌های جوان» به مدارس سخن گفت، وزیر فرهنگ در لابه‌لای سخنان خود بر «هنر اسلامی» تاکید کرد، رئیس سازمان ملی جوانان به مدرسه علمیه معصومیه قم رفت و با طلبه‌های جوان آن مدرسه خوش‌وبش کرد، بیمه روحانیون توسط سازمان تامین اجتماعی در دستور کار قرار گرفت و این هفته نیز «مصطفی پورمحمدی» از «سیستم آشپزخانه‌های اوپن و غربی بودن این معماری» انتقاد و گلایه کرد. همچنین برخی روحانیون در گذشته از شیوه ساختمان‌سازی‌ها و پاساژهای شهرهای مذهبی انتقاداتی را مطرح کردند. زمانی که در خیابان صفائیه قم پاساژهای رنگارنگ با سبک خاص لباس‌فروشی‌ها در معرض دید عابران پیاده قرار گرفت تاثیر این گونه ساختمان‌ها بر پوشش جوان‌ها را به دنبال داشت و برخی علما واکنش نشان دادند و از این وضعیت در تریبون‌های رسمی و غیررسمی گلایه کردند. اما این بار «دکوراسیون داخل منازل» مورد توجه وزیر کشور قرار گرفت که شاید کمتر فردی به این نکته تا به حال اشاره کرده است. در دوران قاجاریه که تمدن غرب به عرض اندام در کشورهای شرقی و ایران پرداخت، اندک‌اندک معماری منازل تغییر کرد. منازل که اندرونی و بیرونی داشته، کلون‌های زنانه و مردانه بر روی درهای ورودی نصب شده بود و «آشپزخانه، اصطبل و سرویس‌های بهداشتی» که در گوشه حیاط در کنار هم قرار داشت اندک‌اندک البته با طی سال‌های طولانی رنگ و لعاب غربی به خود گرفته و توصیه‌های مذهبی نادیده گرفته شد. «آشپزخانه‌ها» آن قدر در معماری اسلامی اهمیت داشت که شاه‌عباس یک جهانگرد ایتالیایی را جهت بازدید از این مکان به مطبخ مشهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی برد و «پیترو دی لاواره» پس از دیدار از آن از اطعام سه هزار نفر در این آشپزخانه خبر داد.امروز دیگر از آن منازل وسیع و چندهزار متری خبری نیست، برج‌های بزرگ که به خانه های دیگر «اشراف» دارد و بنابر احکام فقهی «اشراف داشتن منازل» جایز نیست، ساخته و «آشپزخانه‌های اوپن» زینت منازل شده است. اما این نکته گنگ است که «پورمحمدی» یک دغدغه طلبگی را مطرح کرده است یا انتقاد یک دولتمرد که به ارائه راهکار می انجامد؟

روایت یک شام

فرنوش امیرشاهی

حاشیه سیاست

از گیت ریاست جمهوری که رد شدیم، فردی با چهره خندان ما را به داخل صحن مسجد هدایت کرد. «مسجد سلمان نهاد ریاست جمهوری»، نقطه آغاز دیدار خبرنگاران با «محمود احمدی نژاد» به مناسبت روز خبرنگار است. خط دست راهنما را با چشمانمان دنبال می کنیم و وارد صحن مسجد می شویم. هنوز وقت باقی است. در دعوتنامه بر حضور راس ساعت ۴۵/ ۱۸ تاکید شده بود و ما جماعت خبرنگار هم که وقت شناسی لازمه کارمان است، سرموقع حاضریم.

عده‌ای دور حوض کوچک میان صحن ایستاده‌اند. جمعی هم دور میزی که روی آن شربت و شیرینی چیده شده به گپ زدن مشغولند. ما چند خانم هم گوشه‌ای از صحن می ایستیم تا ورود رئیس جمهور را از دست ندهیم. ظاهراً قرار است نماز مغرب و عشا را به جماعت برپا کنیم و تصور ما بر این است که رئیس جمهور هم در میان صف نمازگزاران خواهد بود. اما خیلی زود متوجه می شویم که او را در مسجد نخواهیم دید چون به گفته یکی از کارکنان روابط عمومی کار پیش بینی نشده‌ای برای آقای رئیس جمهور پیش آمده است! چاره‌ای نیست، باید نماز را به فرادی به جای آورد. آقایان در طبقه پایین و خانم‌ها در طبقه بالا. اما یک موضوع ذهن تک تک ما را قلقلک می دهد: «کار پیش بینی نشده چیست!؟»

حالا دیگر تقریباً ۴۵ دقیقه گذشته است. هر چه چشم می چرخانم کسی از مسئولان را نمی بینم تا از او پرس وجو کنم. به سمت نرده‌هایی که مسجد را از خیابان نهاد جدا کرده است می روم. به افق‌های خیابان چشم می دوزم، شاید رئیس جمهور و همراهانشان را ببینم. ولی جز دو ردیف ریسه‌هایی که خیابان را تا انتها نورانی و روشن کرده‌اند نمی بینم.

پچ پچ ها آغاز شده است. یکی دیگر از کارمندان روابط عمومی را می بینم. می گوید: «اطلاع ندارم رئیس جمهور کجا هستند!» با این جواب خود را از سئوال های بیشتر نجات می دهد. اما دیگری به نظر پاسخگوتر است: «آقای رئیس جمهور با یک خبرنگار هندی مصاحبه اختصاصی دارند!!؟»

مشخص شدن علت تاخیر رئیس جمهور پچ پچ ها را به گلایه تبدیل می کند: «آیا خبرنگار هندی از جمع ما خبرنگاران پرتعداد داخلی خبرنگارتر است؟» دودستگی ایجاد شده است. عده‌ای می گویند به اعتراض نهاد را ترک کنیم و برگردیم و عده‌ای مخالفند و دلیل می آورند که به هر حال رئیس جمهور یک مملکت در راس قوه مجریه است و پیش آمدن کارهای غیرمنتظره حق او است. ظاهراً دلیل گروه دوم قانع کننده‌تر است. پس می مانیم. به یاد دوران ریاست جمهوری خاتمی می افتم که در چنین ملاقات‌هایی همیشه مسئول دفتر، سخنگو و چند تن از اعضای کابینه‌اش در میان خبرنگاران حاضر بودند تا خاتمی بیاید، هر چند که او هیچ گاه تاخیر نکرد. اما این بار خبرنگاران تنها هستند. ما آن قدر وقت داریم که از سیاست و اوضاع داخلی و خاورمیانه گرفته تا تحلیل کارشناسانه سریال «نرگس» گفت وگو کنیم. ولی حرکت عقربه‌های ساعت هم کلافه‌مان کرده است. ساعت ۲۰/۳۰ است و گلایه‌های درگوشی دوباره شروع شده که بالاخره به فریادمان می رسند. اهالی خبری حوزه دولت را به سمت رستوران کارکنان نهاد در زیرزمین ساختمان کناری مسجد هدایت می کنند. ما هم خوشحال از اینکه سرانجام انتظار تقریباً دوساعته‌مان برای دیدار رودررو با رئیس جمهور به ثمر نشسته است، به سمت رستوران راه می افتیم. اما در بسته است. این هم ماجرای پیش بینی نشده دیگری است که با وساطت روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری با مسئولان رستوران رفع می شود. به هر حال وارد می شویم. هر گروهی دور میزی می نشینیم و هنوز جابه جا نشده ایم که یک ظرف زرشک پلو جلوی ما می گذارند. متعجبانه به هم نگاه می کنیم که «برای صرف شام آمده ایم یا ملاقات رئیس جمهورمان؟» این به معنای آن است که باز هم باید صبر کنیم، ولی این بار انتظار ما طولانی نیست. دوربین های صدا و سیما که به سرعت وارد رستوران می شوند نوید حضور احمدی نژاد را می دهند. رئیس جمهور پیش از همه وارد شد. به دنبال او «علی سعیدلو» معاون اجرایی رئیس جمهور، «مسعود زریبافان» دبیر هیات دولت، «اکبر جوان فکر» مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد و «غلامحسین الهام» رئیس دفتر و سخنگوی دولت به همراه چندین محافظ به داخل آمدند. احمدی نژاد آنگاه به سر همه میز ها آمد و با خبرنگاران سلام و احوالپرسی کرد و روز خبرنگار و میلاد حضرت علی(ع) را تبریک گفت. با چشم او را دنبال می کنیم که به سمت میزی که از قبل برای او و همراهانش خالی نگه داشته شده بود می رود و برای صرف شام می نشیند. با خودم فکر می کنم فرصت خوبی برای طرح پرسش هایی که در ذهن داریم فراهم شده است. سئوالاتی که دغدغه جامعه و افکار عمومی است و ما وظیفه داریم به نمایندگی از مردم آنها را با رئیس جمهور در میان بگذاریم. اما گویی قرار نیست که این زمینه مهیا شود. بعد از صرف شام، خبرنگاران و عکاسان به دور میز رئیس جمهور جمع می شوند و طبیعی است با وجود تعداد زیاد خبرنگاران این حوزه و فضای کوچک اطراف میز، شرایط چگونه خواهد بود. گفت وگوها هم عموماً شخصی است. یکی از بیکاری قریب الوقوعش می گوید و دیگری از اینکه دخلش به خرجش نمی رسد. آن یکی هم مصر است رئیس جمهور در نهج البلاغه اهدایی اش به خبرنگاران به یادگار جمله ای بنویسد. برخی هم این میان تقاضای وام دارند. من سعی می کنم از لابه لای جمعیت راهی برای خودم باز کنم تا بتوانم سئوالی را مطرح کنم اما بی فایده است. بنابراین تصمیم می گیرم حداقل اندکی به میز احمدی نژاد و اعضای کابینه اش که به دور او نشسته اند نزدیک تر شوم تا شاید سخنانی را که رد و بدل می شود بشنوم و از لابه لای صحبت های پراکنده این پرسش و پاسخ ها نظرم را جلب می کند:

■آقای احمدی نژاد فکر می کنید به چند درصد از شعارهایتان درباره عدم استفاده از ماشین ضدگلوله و VIP و امثال این پایبندید؟

من کی این حرف را زدم. اینها شعار های من نیست.

■شما در جلسه‌ای گفتید کسانی که در کاخ سعدآباد می نشینند، از حال مردم بی خبرند.

من به دولت های گذشته نقد داشته‌ام ولی زندگی من همان است که بود. دفتر من هم سعدآباد نیست. در ضمن من نگفتم از ماشین ضد گلوله استفاده نمی کنم. اینها قانون است و خیلی دست من نیست.

■آیا در این مسند به روسای جمهور پیش از خود حق می دهید؟

مسند کجا بود؟ من سرپا هستم.

■به هر حال آنها هم در رسیدن به اهدافشان مشکلاتی داشته‌اند.

من تلاش هایم را می کنم. البته من به آنها انتقاداتی داشته‌ام ولی خودم وقت گذاشته‌ام و برای رسیدن به اهدافم تمام تلاشم را می کنم.

■صحبت‌هایی در مورد ارزیابی کابینه شده است. در این باره چه توضیحی دارید؟

دارم ارزیابی می کنم. چه جورم ارزیابی می کنم. خبرهایی هم در این باره می شنوید.

■آیا در مورد خبرنگاران برنامه‌ای ندارید؟

برنامه‌هایی برای آنها دارم که به زودی اعلام می کنم. کم کم به ساعت های پایانی نزدیک می شویم. اینک موقع گرفتن عکس یادگاری است. یک بار با خانم‌ها و یک مرتبه هم با آقایان. سپس احمدی نژاد به عنوان میزبان به سمت در خروجی می رود تا تک تک مهمانانش را بدرقه کند. بعد از خداحافظی از رستوران خارج می شوم. نگاهی به ساعتم می اندازم نزدیک به ۲۲ است. سرم را بالا می آورم و باز هم فرد خندان را مقابلم می بینم. او این بار ما را به مسیر خروجی نهاد ریاست جمهوری هدایت می کند. «خیابان اصلی نهاد» با ذهنی که پر از سئوال های مطرح نشده باقی ماند، نقطه پایان نخستین دیدار غیررسمی خبرنگاران با «محمود احمدی نژاد» است.

خلاصه گزارش

آقای احمدی نژاد فکر می کنید به چند درصد از شعارهایتان درباره عدم استفاده از ماشین ضدگلوله و VIP و امثال این پایبندید؟

من کی این حرف را زدم. اینها شعار های من نیست.

عکس مهر

شاخصه‌های دبیرکل جدید

اکبر منتجبی

حزب

سال گذشته انتخابات ریاست جمهوری که به پایان رسید، از سوی حزب مشارکت اعلام شد که این حزب در دوره جدید «پوست‌اندازی» خواهد کرد. سعید حجاریان حتی از ضرورت تغییر دبیرکل سخن به میان آورد و رضا خاتمی دبیرکل، در مقام استعفا برآمد؛ اما بنابه دلایلی این استعفا پذیرفته نشد. دلیل این رفتار و واکنش‌ها این بود که نامزد این حزب در انتخابات ریاست‌جمهوری (دکتر معین) به رغم تصور ذهنی تمام اعضای مشارکت نتوانست به دور دوم راه یابد. دکتر معین نفر پنجم لیست انتخابات شده بود و این مسئله توان چانه‌زنی و فعالیت سیاسی را برای مشارکت کاهش داده بود. از آن پس حزب که تصمیم به تغییر رویه گرفته بود، آرام‌آرام «خط امام» را جایگزین «دموکراسی خواهی و حقوق بشر» کرد. بی‌درنگ اولین قدم‌ها برداشته شد. لازمه «خط امام» بودن، اعتدال در روش، تعامل با دیگران است. بدین ترتیب بود که دیدار با بزرگان نظام، از هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری تا سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی در دستور کار قرار گرفت. گفت‌وگوها انجام و دغدغه‌ها بیان شد. همزمان، مصاحبه‌های جنجالی کاهش پیدا کرد. دیگر نامه‌ای به بزرگان نظام نگاشته نشد و افرادی همچون حمیدرضا جلایی‌پور عضو شورای مرکزی در مقام تبیین نظریه‌های جدید برآمدند: «چانه‌زنی در بالا». او در توضیح تئوری خویش نیز تاکید کرد که اصلاح‌طلب واقعی کسی است که با دولت همکاری می‌کند (نقل به مضمون از سخنان ایشان در همایش مشروطه). رفته‌رفته افرادی همچون عباس عبدی که ازجمله تاثیرگذاران حزب بودند، از روش حزب انتقادات بسیاری کردند. با این حال همچنان نماد عینی این تغییرات لازم بود. بدین ترتیب، هرچه به زمان برگزاری کنگره جدید نزدیک شدیم، اسامی مختلفی نیز مطرح شد. صفایی‌فراهانی، صفدر حسینی، سعید حجاریان، محسن میردامادی و عبدالله رمضان‌زاده کسانی بودند که در جلسات مختلف و محافل سیاسی نامشان مرتباً ذکر می‌شد. انتخاب از میان گزینه‌های موجود کمی مشکل است؛ چرا که هر کدام آنها توانایی‌های خاصی دارند که می‌توانند در شرایط مختلف از آن بهره گیرند. با این حال دبیرکل جدید باید با شاخص‌های جدید حزب مشارکت هماهنگ باشد که مهم‌ترین آن اتخاذ خط امام و سپس نزدیکی با سیدمحمد خاتمی است. در این میان اگرچه عبدالله رمضان‌زاده با افکار و اندیشه‌های سیدمحمد خاتمی نزدیک است، اما نمی‌توان از نقش محسن میردامادی نیز غافل بود. میردامادی در عین حال با ارکان داخلی حزب، نیروهای بدنه و اجرایی نیز کاملاً آشنا است و به نظر می‌رسد مناسب‌ترین گزینه در شرایط موجود است. او در مجلس ششم رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی بود و عمدتاً با مسائل مختلف کشور خصوصاً در حوزه سیاست خارجی آشنا است. در عین حال می‌توان او را نزدیک به افکار سیدمحمد خاتمی در خصوص اتخاذ «خط امام» دانست. سیدمحمد خاتمی بارها در جلسات مختلف از این که دوستانش خط امام را فراموش کردند و گزینه‌های دیگر را مدنظر قرار دادند، انتقاد کرده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد از این زاویه میردامادی نزدیک‌ترین فرد به سیدمحمد خاتمی است. محسن میردامادی در عین حال جز پرونده روزنامه نوروز که رای آن نیز اعلام شد هیچ پرونده دیگری ندارد واین برای حزب و دبیرکل جدید باید ملاک باشد.